



## تأثیر روابط روسیه، چین و آمریکا بر ایندوپاسیفیک

تقویت روابط آمریکا با رقبای پر قدرت خود، چین و روسیه ظاهراً قریب‌الوقوع است. دولت ترامپ در تلاش برای پایان جنگ روسیه و اوکراین، مستقیماً با کرملین در حال مذاکره است و دونالد ترامپ ممکن است با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دیدار کند و احتمالاً روابط دوجانبه آمریکا با این کشور را از نوتنظیم کند.

ترامپ همچنین اعلام کرده که می‌خواهد با شی‌جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، ترجیحاً در آمریکا، دیدار کند تا مذاکرات را در زمینه‌های پراصلطاک مثل عدم توازن تجاری دوباره از سر بگیرد. ترامپ همچنین می‌گوید که او «رابطه خوبی» با شی دارد و می‌خواهد با چین کنار بیاید. جهان همچنان تلاش می‌کند خود را برای این تغییر احتمالی ژئوپلیتیکی هماهنگ و آماده کند اما واکنش‌های منطقه ایندوپاسیفیک پیچیده بوده است. متحدان آمریکا و شرکای نزدیک ممکن است نگرانی‌های عمیق خود را ابراز کنند اما اکثر کشورها احتمالاً خوش‌بینی محتاطانه‌ای خواهند داشت از اینکه رقبای مجرب به سلاح‌های هسته‌ای به گفت‌وگو روی آورده‌اند و تلاش می‌کنند تا اختلافات خود را حل کنند. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای ایندوپاسیفیک درست است که نگران هستند این وسط گیر بیفتند. با این حال این کشورهای غیرهمسو در حال توسعه که از رقابت میان قدرت‌های بزرگ منفعتی می‌برند ممکن است نگران باشند که چشم‌انداز استراتژی‌های مدیریت خطرشان به‌طور قابل توجهی از بین برود.

متحدان ایالات متحده در شمال شرق آسیا، ژاپن و کره جنوبی احتمالاً در برابر استراتژی جدید آمریکا متفاوت‌های عمیقی نشان دهند. از زمان جنگ روسیه و اوکراین، توکیو قویاً از موضع دولت بایدن و تحریم‌ها بهره‌برری آمریکا علیه مسکو را اجرا کرده است.

ژاپن همچنین نسبت به همکاری استراتژیک «بدون محدودیت» بین روسیه و چین ابراز نگرانی کرده که می‌تواند در درگیری‌های آینده ایندوپاسیفیک به‌عنوان نیروی چندبرابری عمل کند، چه بر سه جزایر کوریل باشد، چه جزایر سن کاکو، تایوان، کره جنوبی یا دریای چین جنوبی. به‌عنوان مثال در ماه نوامبر، زمانی که چین و روسیه بمب‌افکن‌های استراتژیک خود را در عملیات مشترک هوایی بر فراز دریای ژاپن اعزام کردند، توکیو خشمگین شده بود.

اما ژاپن عمدتاً نگران است که روابط تازه آمریکا و چین پکن را جسور می‌کند تا جزایر مورد مناقشه را تصرف کند یا به تایوان حمله کند تا امنیت جزایر ریوکیو، منطقه‌ای از ژاپن با غربی‌ترین جزیره که فقط ۶۸ مایل از ساحل تایوان فاصله دارد، برقرار کند.

کره جنوبی تقریباً بر تهدید کره شمالی متمرکز است و اگر واشنگتن روابط خود با پکن، مسکو یا هردو را تقویت کند، می‌تواند با تبعات استراتژیک شدیدی روبه‌رو شود. اگر واشنگتن به‌جای ستول هماهنگی خود را با این دو کشور در اولویت قرار دهد، سنول ممکن است اهرم بزرگی را در رویارویی با رژیم کره شمالی از دست بدهد. آمریکا همچنین می‌تواند در موضوع کمک‌های نظامی کره شمالی به روسیه در اوکراین تجدیدنظر کند و سربازان پیونگ‌یانگ آمادگی بیشتری برای جنگ احتمالی در شبه‌جزیره کره پیدا کنند. علاوه بر آن نه پکن و نه مسکو فشار بسیاری برای خلع سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی نیستند که می‌تواند باعث شود با رضایت آمریکا تحریم‌های سازمان ملل هم برداشته شوند. بازنده اصلی تایوان خواهد بود. تاییه به‌عنوان یکی از شرکای دیرینه همیشه امیدوار بود و حتی انتظار داشت که اگر پکن به این جزیره حمله کند، واشنگتن مداخله خواهد کرد.

جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در چهار رویداد مختلف اعلام کرد که در چنین سناریویی ارتش آمریکا به تاییه کمک خواهد کرد. اما اگر روابط چین و آمریکا بهبود پیدا کند تایوان نمی‌داند که تعهدات بایدن همچنان باقی خواهند ماند یا نه. اگر آمریکا با کرملین درباره اوکراین منطبق شود و روسیه اراضی تصرف کرده را حفظ کند، احتمالاً وحشتی را در تایوان بر سر منافع واشنگتن در تامین امنیت و ادامه حق حاکمیت آن ایجاد خواهد کرد. در جنوب‌شرق آسیا، واکنش به‌رگونه تنش‌زدایی از روابط آمریکا با چین و روسیه احتمالاً به‌شدت مثبت خواهد بود چون تمام این کشورها به‌دنبال اجتناب از رقابت قدرت‌های بزرگ و احتمالاً جنگ در این منطقه‌اند. هنوز در اولین روزهای ریاست‌دولت ترامپ در قبال رقیب و کشورهای متخاصم با آن هستیم. ممکن است هیچ تغییری اجرایی نشود. اما اگر فرض کنیم تغییری ایجاد شود، اکثر کشورهای منطقه ایندوپاسیفیک، به جز متحدان نزدیک آمریکا، خوش‌بینی گسترده‌ای خواهند داشت که این بخش از جهان ثبات‌تر خواهد شد.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

مدتها بود که میزان محبوبیت ولودیمیر زلنسکی در داخل اوکراین کم و کمتر می‌شد. خیلی‌ها به او به چشم رهبری ناکارنازنجی نگاه می‌کردند که قدرت را حول محور خود متمرکز کرده است. در نظرسنجی‌ها حتی ژنرال ارشد پیشین او در جنگ با روسیه، محبوبیت بیشتری داشت تا اینکه دونالد ترامپ، برای بار دوم رئیس‌جمهور آمریکا شد. در هفته‌های اخیر، ترامپ زلنسکی را «دیکتاتور بدون انتخابات» خطاب کرد و در دیداری در کاخ سفید به همراه جی‌دی‌ونس معاون رئیس‌جمهور مشاجره‌ای در گرفت که تاکنون دیده نشده بود. پس از این دیدار فاجعه‌بار ترامپ در شبکه اجتماعی خود، تروث سوشال، نوشت که آمریکا ۲۰۰ میلیارد دلار بیشتر از اروپا در اوکراین هزینه کرده ولی برگشت پول اروپا تضمین شده است. او در ادامه نوشت: «در حالی که آمریکا چیزی پس نخواهد گرفت. مگر این جنگ برای اروپا بسیار مهمتر از ما نیست؟» پس از این جلسه، زلنسکی بدون آنکه توافقنامه مواد معدنی را امضا کند، کاخ سفید را ترک کرد. ترامپ به زلنسکی گفت که او به دنبال جنگ جهانی سوم است و اوکراین هیچ برگ برنده‌ای در این بازی ندارد. جان مرشایمر، دانشمند علوم سیاسی در دانشگاه شیکاگو و شاید یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران سیاست خارجی آمریکا را مقصر حمله روسیه به اوکراین می‌داند. این موضوع غافلگیرکننده نیست چون از سال ۲۰۱۴ زمانی که روسیه شبه‌جزیره کریمه را الحاق و از شورشیان جدایی‌طلب در شرق اوکراین حمایت کرد، مرشایمر معتقد بود که آمریکا و اکثر کشورهای اروپایی دلیل اصلی حمله روسیه به این منطقه‌اند که عمدتاً به واسطه توسعه‌گرایی‌های ناتو به سمت شرق در این منطقه رخ داده.

ترامپ با جمهوری خواهان سلف خود تفاوت‌های بی‌شماری دارد. او با رهبران جهان یکی به دو می‌کند و رونمایی از اتفاق‌هایی را که معمولاً پشت‌پرده رخ می‌دهند، نقطه قوتی برای خود می‌داند. ترامپ خلاف قطعنامه سازمان ملل که با اکثریت قاطع حمله روسیه به اوکراین را محکوم می‌کند، می‌گوید این اوکراین است که جنگ را آغاز کرده؛ اقدامی که هیچ رئیس‌جمهوری علناً انجام نداده است.

عده بسیاری سبک ترامپ را بسیار ناخوشایند می‌دانند؛ برخی حتی آن را شرم‌آور توصیف می‌کنند. منتقدان ترامپ می‌گویند که اقدامات او قدرت نرم آمریکا را که یکی از مهم‌ترین ابعاد قدرت ابرقدرت جهان که شامل استفاده از ابزارهای غیرنظامی، فرهنگ‌سازی، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی برای اعمال تغییر است، نادیده می‌گیرد. استیون کوئین، تاریخ‌نگار آمریکایی، استاد دانشگاه و نویسنده می‌گوید: «در ذهن ترامپ، ابزارهای رسیدن به هدف اگر که نتیجه‌بخش باشند، مهم نیست چه باشند.» ترامپ معتقد است که آمریکا در سمت اشتباه تمام معاملاتش قرار دارد که تاکنون امضا کرده و این موضوع فقط به اوکراین محدود نمی‌شود. او علاوه بر خروج از معاهده پاریس، مدت‌هاست که تمایل خود را به خروج آمریکا از ائتلاف ناتو نشان داده است.

رؤسای جمهوری به‌ندرت می‌توانند مسیر کشتی به‌بزرگی آمریکا را در دوره ۴ساله خود تغییر دهند. در دهه ۷۰ زمانی که نیکسون رئیس‌جمهور بود، قدرت نرم آمریکا روبه‌زوال می‌رفت. آمریکا در جنگ ویتنام شکست خورد. نیکسون بر سر ماجرای واترگیت استعفا داد. شوک نفت «کمربند زنگار» (افول اقتصادی شمال شرق آمریکا و ایالت‌های غرب میانه) را نابود کرد. اما پس از آن آمریکا خود را احیا کرد و بهترین دهه‌های خود را گذراند. کوئین معتقد است ترامپ حقایق بازرشی را درباره قدرت آمریکا و جایگاه آن در جهان و همچنین جایگاه اروپایی‌ها در جهان مطرح می‌کند؛ هر چند که به سبک ترامپی او باشد. حالا سوال اینجاست که پشت‌پرده عملکرد او در قبال اوکراین و سیاست آمریکا چیست؟ ترامپ واقعاً از اوکراین چه می‌خواهد؟ کوئین برای پاسخ به این سوال به دو دیدگاه مختلف از زمان اتحادیه جماهیر شوروی تا به امروز می‌پردازد. او می‌گوید: «زمانی دیدگاه چپ‌ها از روسیه این بود که استالین جهان جدیدی را می‌سازد؛ جهانی جدید از فراوانی، عدالت اجتماعی و صلح؛ اینکه اتحادیه جماهیر شوروی آینده است.» نمی‌شود گفت تمام چپ‌ها اما بخش بزرگی از آنها فانتزی شوروی به‌عنوان الگوی آینده را در سر داشتند، در حالی که تمام آنها یا گشنگی می‌کشیدند یا کشته می‌شدند. در آن زمان هم بسیاری از چپ‌ها مخالف استالین بودند، همانگونه که امروز خیلی‌ها با پوتین مخالف‌اند. کوئین در ادامه می‌گوید: «حالا ما یک فانتزی روسیه در سمت راست را داریم؛ اینکه روسیه همان ارزش‌های سنتی است، روسیه از تمدن غربی دفاع می‌کند، روسیه آینده است، روسیه دوست ماست.» اینها قطعاً فانتزی‌های برابری نیستند اما در واقع نشان می‌دهند که دیدگاه درباره روسیه از فانتزی چپ‌ها به راست‌ها منتقل شده است که به گفته کوئین محرک‌های بزرگی از سیاست‌های آمریکا هستند.

### حقایقی که ترامپ می‌گوید

کوئین می‌گوید، زلنسکی به‌دنبال ضمانت‌های امنیتی است که به این معنی است که علاوه بر اوکراینی‌ها، مردم کشورهای دیگر، به‌ویژه اروپایی‌ها هم کشته خواهند شد. اروپا تاکنون یک سرباز هم به اوکراین نفرستاده است. لهستان که بزرگترین حامی اوکراین است قبول نکرد تا پس از توقف جنگ صلح‌بانانی را به اوکراین بفرستد، چه برسد در طول جنگ. کوئین می‌گوید: «اروپا نظاره می‌کند.» ترامپ با تمام صفاتی که دارد نشان داد که اروپا یا باید اقدامی که درباره آن صحبت کرده و انجام دهد یا دیگر درباره آن صحبت نکند. کوئین می‌گوید: «حتی با اینکه پوتین نتوانست اروپایی‌ها را مجبور کند خود را مدیریت و سازماندهی کنند، شاید ترامپ بتواند.» کوئین معتقد است که سیاست‌های بایدن پیش از ترک کاخ

# ترامپ از اوکراین

## پشت پرده رفتار و عملکرد رئیس

### ولادیمیر پوتین این شرایط را چگونه می‌بیند؟

کوئین می‌گوید، «افول غرب» سه دهه است که جزو استراتژی بزرگ روسیه بوده: «اینکه بگذارد غرب از داخل منفجر شود و سقوط کند و ما نجات پیدا خواهیم کرد؛ این استراتژی بزرگ روسیه است. اوضاع در داخل روسیه بد است. حتی شاید وحشتناک باشد اما اگر غرب منفجر شود، اگر غرب ناکام شود، سیاست‌ها و قدرت خود را تضعیف کند، شرایط روسیه خوب خواهد بود.» ترامپ می‌گوید کار کردن با روسیه آسان‌تر از اوکراین است و پوتین «می‌خواهد جنگ تمام شود.» او در کاخ سفید در پاسخ به این سوال که آیا توقف اشتراک اطلاعات و کمک‌های نظامی به اوکراین می‌تواند باعث سوءاستفاده پوتین از این شرایط شود؟ گفت: «من واقعاً فکر می‌کنم هر کسی جای او بود همین کار را می‌کرد.» می‌توان گفت که ترامپ دارد به نفع پوتین عمل می‌کند اما از نظر کوئین موضوع اصلی این است که هر کسی که نتواند تعهدات خود را به مردم اجرایی کند مردم او (و حزب او را که در این خصوص دموکرات‌ها هستند) در انتخابات بعدی تنبیه می‌کنند. او می‌گوید: «آمریکایی‌ها از جنگ متفرند و از باخت در جنگ حتی بیشتر.» بنابراین ترامپ دارد با آتش بازی می‌کند. اگر نتواند به وعده‌های خود عمل کند موقعیت جمهوری خواهان در انتخابات بعدی می‌تواند تضعیف شود.

کوئین همچنین در شبکه اجتماعی سبگنال نظرات مردم روسیه را دنبال می‌کند. او می‌گوید مردم روسیه امیدوارند که این جنگ نفرت‌انگیز تمام شود. از پاییز ۲۰۲۲ روسیه کمابیش ۱۹ درصد از اراضی اوکراین را تحت کنترل خود در آورده و صدها هزار نفر هم کشته یا زخمی شده‌اند اما دستاورد دیگری نداشته است. پوتین جان مردم روسیه و حالا جان سربازان کره شمالی را داخل چرخ گوشت می‌اندازد، چون اوکراینی‌ها سربازان کمتری مقابل او دارند. کوئین می‌گوید: «اوکراین به تانک‌های ابرام‌نیا نیاز ندارد. آنها تانک دارند و کمکی به آنها نکرده است. به هواپیماهای اف-۱۶»

سفید به بن‌بست رسیده بود ولی نه به این معنی که ترامپ قرار است تمام مشکلات را حل کند. ممکن است اقدامات او تبعات ناخواسته و گمراه‌کننده‌ای داشته باشند که اغلب در سیاست اتفاق می‌افتد. شاید شرایط بدتر شود، اما شرایط قبل از آن هم به‌خوبی پیش نمی‌رفت.

مشاجره ترامپ و زلنسکی جلوی لنز دوربین‌ها در تاریخ آمریکا بی‌سابقه است. آمریکایاست جمهوری اندرو چکسون را گذرانده که یکی از بزرگترین برده‌داران زمانه خود بود. جنگ داخلی را پشت‌سر گذاشته که در آن صدها هزار نفر کشته شدند اما امروز شبکه‌های اجتماعی باعث شده تا همه چیز در معرض دید قرار بگیرند.

آمریکا در تمام ابعاد قدرتمندترین کشور جهان از زمان ثبت تاریخ است: قدرت سخت، قدرت اقتصادی، قدرت اختراع، ابرقدرت انرژی، قدرت نرم و قدرت ائتلاف. از سال ۱۷۸۰، آمریکا کمابیش ۵۰درصد از قدرت و ۲۰درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار داشته است. کوئین معتقد است که دولت‌ها و رؤسای جمهور عامل این امر نبوده‌اند: «رؤسای جمهور هیچ‌وقت نمی‌توانند آن را سرکوب یا خفه کنند، فارغ از اینکه چه کاری انجام دهند و از نظر من آنها کارهایی می‌کنند که می‌تواند به جایگاه آمریکا در جهان آسیب بزند.»

حالا سوال اینجاست همانگونه که جهان در حال تغییر است، آمریکا چقدر می‌تواند بر دیگران تکیه کند؟ کوئین می‌گوید: «قدرت اروپا رو به کاهش است، قدرت ژاپن رو به کاهش است. اما قدرت آمریکا رو به کاهش نیست. این قدرت متحدان، شرکای ماست که رو به کاهش می‌رود.» در مقابل، قدرت رقبای آمریکا یعنی روسیه و چین، روبه‌کاهش نیست. شاید در مورد روسیه بتوان گفت که این کاهش قدرت چقدر سطحی یا عمیق است اما در مورد چین، آمریکا به‌وضوح با یک حریف قدر روبه‌روست.

آمریکا در دست کم سه جبهه اصلی در برابر متحدان خود مسئولیت دارد. دکترین استراتژیک آمریکا زمانی این بود که این کشور باید توانایی مبارزه هم‌زمان در دو جنگ و در دو جبهه بزرگ را داشته باشد اما ترامپ حالا به دنبال این است که در یک زمان در یک جنگ شرکت کند. هم‌اکنون آمریکا به‌دلیل تعهداتی که به متحدان خود دارد در سه جبهه بزرگ می‌جنگد.

کوئین می‌گوید: «ترامپ نشان داده است که تعهد آمریکا از توانایی‌های ما فراتر می‌رود، نه به این خاطر که ما رو به افول هستیم بلکه چون ائتلاف‌هایی که ما در آنها قرار داریم، با کشورهای مثل آلمان، ژاپن و چند کشور دیگر، نفوذ و قدرت خاصی ندارند. شما می‌توانید بگویید که ترامپ در تحلیل خود از جهان اشتباه می‌کند. شما می‌توانید بگویید که شیوه‌های ترامپ ناخوشایند است اما نمی‌توانید بگویید که قدرت آمریکا برای برآورده کردن تعهدات کنونی‌اش در مسیری که قرار داریم کافی است.»



شکس: AP